

نسبت عملی منافع ملی و ایدئولوژی اسلامی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۸/۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۲۵

محمدحسن خانی^۱

حسین محمدی سیرت^{۲*}

چکیده

منابع کلیدی روابط بین‌الملل بر اهمیت و جایگاه منافع ملی در طراحی سیاست خارجی تأکید دارند اما منافع ملی در جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان یک نظام سیاسی برخاسته از اندیشه اسلام سیاسی، مفهومی ترکیبی از هویت ملی و هویت دینی است؛ این ترکیب، مسائلی را موجب می‌شود که ازجمله آنها، نسبت «منافع ملی» و «مبانی اسلامی» در سیاست خارجی است. هدف از این پژوهش به‌عنوان تحقیقی کیفی، تحلیل سازه‌نگارانه وضعیت موجود نسبت میان منافع و مبانی اسلامی در صحنه واقع و اجرایی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است؛ به این منظور و برای مطالعه مستقیم و بی‌واسطه این مسئله، براساس ساختار و نهادهای مؤثر در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ده مصاحبه عمیق نخبگانی انجام شد. براساس داده‌های تجربی به‌دست‌آمده از مصاحبه‌ها، وضعیت موجود، گویای «تطابق مفهومی، تزامم مصداقی، تعامل و هم‌افزایی» میان منافع ملی و مبانی اسلامی در میدان عمل است. از منظر نخبگان اجرایی سیاست خارجی، ایران به‌عنوان یک بازیگر عقلانی در عین مطلوب‌نگری (ایده‌ال‌نگری)، واقع‌بین بوده و میان منافع ملی خویش و مبانی اسلامی، جمع‌ی منطقی برقرار کرده است.

جمهوری اسلامی براساس مشی عقاقلانه، تعقیب مصالح عالیه خویش را اولویت‌بخشیده و با بهره‌گیری از ظرفیت نظریه «حفظ نظام»، نسبت میان منافع ملی و مبانی اسلامی را مشخص کرده است؛ بررسی نسبت یادشده در مقام تجربه، گویای یگانگی و تطابق یا کمترین عدم تعارض است و با آنچه در مقام نظر از دوگانگی و تزامم، مطرح است، فاصله دارد.

واژگان کلیدی: منافع ملی، سیاست خارجی، مبانی اسلامی، جمهوری اسلامی ایران.

۱. دانشیار علوم سیاسی دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)

۲. دانش‌آموخته دکتری علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (نویسنده مسئول): mohammadisirat@chmail.ir

مقدمه

مفهوم دولت - ملت در شرایطی در مغرب‌زمین تکوین یافت که به صورت طبیعی و در فرایندی زمان‌بر بر دیگر لایه‌های هویتی غلبه کرده، اصلی‌ترین مبنای تصمیم‌گیری‌های جمعی قرار گرفت. هویت دینی و کلیسایی به سبب ضعف و ناکارآمدی دستگاه دین و در پی رنسانس دینی، کم‌کم جای خود را به هویت‌های مدرن داد و به امری فردی و درونی تبدیل شد که کمتر در تصمیم‌های اجتماعی، مؤثر است؛ همچنین در مسیر تبدیل دولت‌های مطلقه به دولت‌های مدرن امروزی، هویت‌های محلی، قومی، قبیله‌ای و حتی نژادی نیز کم‌رنگ شده، در نهایت در چارچوب هویتی عام‌تر به نام ملیت تعریف شدند.

بنابراین، تمامی سیاست‌گذاری‌های کلان اجتماعی در چارچوب نوین هویت ملی و به سبب تأمین منافع ملت طرح‌ریزی و اجرایی شوند. آنچه جهت‌گیری و هدف‌گذاری تصمیم‌های کلان را هدایت می‌کند، «منافع ملی» (تاجیک، ۱۳۸۰: ۴۷) است که بر دیگر معیارهای تصمیم‌گیری جمعی غلبه دارد. یکی از نمادهای اساسی و بارز تصمیم‌گیری‌های کلان و جمعی که معرف تصمیم‌گیری یک واحد ملی است، عرصه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل است. ضعیف‌ترین هویت‌های دولت - ملتی در شکل‌های قانونی (مانند دولت‌های فدرالی) یا در جوامع سنتی از هم‌گسیخته‌ای که هویت‌هایی غیرملی (چون گرایش‌های قبیله‌ای) حاکم است، به منظور اتخاذ سیاست خارجی مجبورند از لایه هویتی خرد عبور کرده، رویکرد ملی اتخاذ کنند.

اما مسئله آنجاست که مفهوم منافع ملی در ادبیات ایرانی و میان‌نخبگان سیاسی و اجتماعی ایران، مفهومی شفاف و روشن نیست و ایرانیان به سبب لایه‌های هویتی متعدد، زمینه‌های ذهنی چندلایه، سنن پیچیده اجتماعی سنتی و سابقه طولانی تاریخی و تمدنی، تصویر شفاف از ملیت و منافع ملی ارائه نمی‌دهند؛ این ابهام، زمانی دوچندان می‌شود که در عرصه سیاست خارجی و در تعامل با طرف مقابل که دارای ملیت بیگانه و متفاوت است، تعریف شود. فقدان تجربه تاریخی نهادهای ملی و این ابهام در فهم از مفهوم ملیت و به تبع آن، منافع ملی پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تأسیس نظام جمهوری اسلامی، به سبب تأکید بسیار جدی‌تر بر مبانی اسلامی و حضور اجتماعی دین، دوچندان شد.

در رابطه میان منافع ملی و مبانی اسلامی و چگونگی ارتباط این دو، پاسخ‌هایی ازسوی

پژوهشگران داده شده است که می توان آنها را در چهار رویکرد کلی دسته بندی کرد:

الف- دسته اول از جهان مستقل سیاست و مبانی اسلامی سخن می گویند و در رویکرد سکولاریستی، مرزی مشترک میان مبانی دینی و اسلامی با سیاست خارجی قایل نبوده، به طور قاعده مند، نسبتی میان مبانی اسلامی و منافع ملی متصور نیستند.

ب- رویکرد دوم، معتقد است که الگویی مطلوب بدان صورت مطرح نیست بلکه همین که میان مبانی اسلامی و منافع ملی، تعارضی صورت نگیرد، کفایت می کند.

ج- در رویکردی دیگر، برخی نظریه پردازان معتقدند که منافع ملی، مفهومی مستقل و حقیقی است و می تواند هادی سیاست خارجی قرارگیرد لکن مفهوم منافع ملی باید در چارچوب اندیشه دینی بازتولید شود و اقتضاهای اسلامی و بومی خویش را بیابد که در غیر این صورت، تناسب لازم را با چارچوب دولت دینی نخواهد داشت.

د- آخرین رویکرد، رویکردی حداکثری است که مفهومی به نام منافع ملی را دارای عینیت خارجی و مستقل نمی داند و دولت اسلامی را خالی از مفهوم منافع ملی تصویری کند و اعتقاد دارد که آنچه تعیین کننده است، مبانی و اهداف اسلامی است و منافع ملی، معنایی معتبر و عینی ندارد.

پرسش اصلی در پژوهش حاضر، فهم نسبت مبانی اسلامی و منافع ملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است که برای پاسخ به پرسش یاد شده در رویکردی سازه انگارانه، ساحت عمل کارگزاران بررسی شده است. عملیاتی ترین فهم از نسبت منافع ملی و مبانی اسلامی را باید در تصویر کارگزاران سیاست خارجی جمهوری اسلامی یافت، چراکه کارگزار سیاست خارجی است که در صحنه حقیقی اجرای سیاست خارجی، «مفاهیم، ارزش ها، هنجارها و قواعد» را به کار می گیرد و از منظر کاربست عملیاتی مفاهیم در عرصه اجرا به قضاوتی واقعی از تزاخم ها، تضادها، تباین ها و تساوی ها دست می یابد.

الف - چارچوب مفهومی

به منظور فهم دقیق مفاهیم به کاررفته در مقاله برخی از اصلی ترین آنان معنا می شود و این تعاریف، منظور و چگونگی کاربست مقاله از مفاهیم مذکور را مشخص می نماید.

۱- منافع ملی

مفهوم منافع ملی مانند بسیاری از مفاهیم رایج در علوم انسانی، مفهومی مشخص و به طور کامل،

روشن نیست بلکه در منظر و دیدگاه مکاتب فکری، گوناگون تعریف می‌شود. جمعی از مهم‌ترین تعاریف موجود از منافع ملی را می‌توان چنین برشمرد:

۱-۱- حفظ تمامیت ارضی

مفهوم منفعت ملی در تعریفی سنتی و کلاسیک، ناظر به رویکردی امنیت‌محور تعریف می‌شود که تلاش دارد از طریق دفاع قوای نظامی تمامیت مرزی دولتی را حفظ کند (برونینگ، ۲۰۰۷: ۶۴).

۱-۲- خواسته تصمیم‌گیرندگان مرکزی

منافع ملی، همان ارزش‌هایی است که نخبگان اصلی هر جامعه تعیین و تعریف می‌کنند. منافع ملی شامل آن دسته از اولویت‌هایی است که تصمیم‌گیرندگان عالی‌رتبه یک نظام سیاسی مشخص می‌کنند (کراسنر، ۱۹۷۸: ۵۴).

۱-۳- رعایت قواعد بازی و موازنه قدرت

تمامی گروه‌های ذی‌نفع، تنها یک منفعت مشترک دارند و آن اینکه تمام آنها باید براساس قواعد و قوانین حاکم عمل کنند. منفعت ملی همچنان به موازنه قوا در یک کشور و قواعد مُسِطِرِ بر نظام سیاسی حاکم بر آن کشور، متکی است (کلیتون، ۱۳۷۹: ۶۵).

۱-۴- مجموعه شرایط و امکانات یک جامعه

منافع ملی، مجموعه شرایط و امکاناتی پویاست که تحقق نیازهای امنیتی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را میسر می‌سازد؛ این شرایط و امکانات، خود ملهم از وضع ژئوپلیتیکی، ساختار اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ویژگی‌های فرهنگی و تاریخی یک جامعه و درنهایت، جایگاه آن در صحنه بین‌المللی است (پلانو، ۱۹۸۸: ۱۰ و ۱۱).

۱-۵- ارزش‌های حاکم

به عقیده روزنا این مفهوم در ارزش‌ها ریشه دارد و دولت‌های مختلف، اهدافی متفاوت را نیز دنبال می‌کنند. محاسبه قدرت یک کشور، لاجرم به شناخت ارزش‌های حاکم بر آن کشور، منوط است (روزنا، ۱۹۸۰: ۱۳۶).

۶-۱ - قواعد عینی و مشترک

قطع نظر از هریک از کشورها، منفعت ملی برای تمامی آنها به عناصر عینی و درعین حال مشترک، قابل تعریف است. مورگنتا در ارزیابی و شناخت سیاست خارجی کشورها قواعدی عینی و مشخص دارد و آن اینکه «منافع ملی برحسب قدرت تعریف می‌شود» (مورگنتا، ۱۹۴۵: ۱۴).

۷-۱ - خواسته شهروندان

در نظر جوزف نای، منفعت ملی در یک کشور دموکراتیک، تابعی از خواست شهروندان است لذا منفعت ملی می‌تواند وسعت و ابعادی فراتر از منافع به اصطلاح حیاتی و راهبردی داشته باشد؛ با توجه به این ملاحظات، هدف اصلی تصمیم‌گیرندگان، جلب منفعت عمومی است (نای، ۲۰۰۲: ۱۳۹). روشن است که تعاریف از منافع ملی، بسته به اولویت‌های نظری و واقعی نظام‌های سیاسی گوناگون و با توجه به شرایط اختصاصی ایشان، تعریفی خاص می‌یابد و آنچه در تمامی این تعاریف، مشترک می‌نماید، جایگاه و نقش مفهوم منفعت ملی در سیاست خارجی و داخلی است.

۲- منافع ملی جمهوری اسلامی ایران

در رویکردی کلی، رویکرد جمهوری اسلامی در حوزه منافع ملی در سیاست خارجی، چندان با دیگر کشورها تفاوت ندارد و در کلیات، متفاوت نیست لکن تفاوت‌ها در روش‌ها (تاکتیک‌ها) و راه‌های کسب منافع ملی است. هر نوع اقدامی که موجب تأمین خواسته‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور شود، اقدامی در راستای منافع ملی است. منافع ملی، مجموعه‌ای از اهداف راهبردی است (مسجدی، ۱۳۹۵).

۱-۲- اصول طراحی منافع ملی جمهوری اسلامی ایران

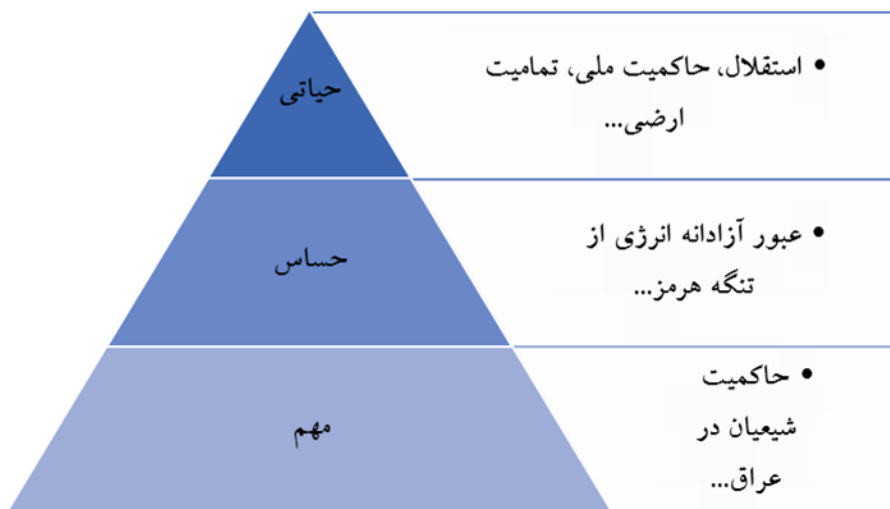
در نظام اسلامی، منافع ملی در چارچوب مبانی دینی تعریف می‌شود و در کنار مبانی دینی، ملاحظات عرصه سیاست خارجی نیز دیده شده، از جمع این دو تلاش می‌شود به حدی مطلوب از منافع دست‌یابیم. اصول دینی مانند «نفی سیل، اعدوا لهم مستطعتم و...» مقدمه‌ساز تأمین منافع ملی ما هستند (مصلحی، ۱۳۹۶)؛ به عبارتی، اسلام، بخش اصلی از حیثیت، رسالت و وجدیت ماست و لذا هر جا لازم باشد، باید در این زمینه سرمایه‌گذاری کرد (منصوری، ۱۳۹۶) و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در گفتمان قالب اسلامی تعریف می‌شود؛ براساس این نظریه، منافع ملی جمهوری

اسلامی ایران در کنار انگیزه‌های اسلامی، بر پایه سه عامل اساسی تعریف می‌شود: الف- وحدت ملی؛ ب- امنیت ملی و ج- اقتدار ملی؛ این سه عامل در نسبت با رویکرد جهان اسلامی، مطرح شده و یکی از معیارهای مهم در وحدت، اقتدار و امنیت در جمهوری اسلامی، رسیدن به الگوی ام‌القرایی جمهوری اسلامی ایران است.

در گفتمان انقلاب اسلامی ایران، مفهوم ام‌القرای جهان اسلام که دارای امنیت، اقتدار و وحدت است، نهفته است و شواهدی متعدد بر این رویکرد استناد دارند (قمی، ۱۳۹۵)؛ در مجموع، جمهوری اسلامی ایران علاوه بر موارد معمول در طراحی منافع ملی در سیاست خارجی کشورها از اصول مؤلفه‌هایی دیگر نیز که برخاسته از گفتمان اسلامی پیش‌گفته است، پیروی می‌کند از جمله:

- حفظ نظام؛
 - گسترش نفوذ اسلام در جهان؛
 - حفظ منافع مسلمانان و دفاع از ایشان (منصوری، ۱۳۹۶)؛
 - حمایت از محرومان و مستضعفان (سعادت‌نژاد، ۱۳۹۵)؛
 - گسترش فرهنگ دینی و پایبندی به ارزش‌ها؛
 - حفظ پایگاه مردمی نظام؛
 - وحدت امت اسلامی؛
 - گسترش روابط با کشورهای اسلامی و همسو؛
 - لا تظلمون و لا تُظلمون؛
 - حفظ عزت اسلامی؛
 - رعایت حکمت (سعادت‌نژاد، ۱۳۹۵)؛
 - عمق‌بخشی انقلاب اسلامی در کشورهای دیگر (مسجدی، ۱۳۹۵).
- می‌توان منافع ملی جمهوری اسلامی را در سه سطح مطرح کرد:
- **منافع ملی حیاتی:** منافع ملی حیاتی، ضامن بقا و حیات سیاسی یک کشور است؛ مانند استقلال، حفظ تمامیت ارضی و حفظ حاکمیت ملی.
 - **منافع ملی حساس:** برای نمونه، عبور آزادانه انرژی از تنگه هرمز از جمله منافع ملی حساس ایران است و تلاش دارد، مسیر تنگه باز بوده، عبور و مرور به صورت طبیعی رخ دهد.
 - **منافع ملی مهم:** این دسته از منافع ملی، بسته به شرایط و مبانی سیاسی جمهوری اسلامی، اولویت

می‌بایند؛ مانند تلاش جمهوری اسلامی ایران به منظور حاکمیت شیعیان در عراق یا حاکمیت هم‌فکران جمهوری اسلامی ایران در کشورهای همسایه (ایروانی، ۱۳۹۵).



نمودار ۱: سطوح پیگیری منافع ملی

(منبع: ایروانی، ۱۳۹۵)

۲-۲- مصادیق منافع ملی در جمهوری اسلامی

از جمله پرسش‌هایی که از مجریان عرصه سیاست خارجی پرسیده شد، مهم‌ترین مصادیق منافع ملی در دوره مسئولیت ایشان بوده است؛ این مصادیق به چستی منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در نگاه مجریان و ملاک تعریف منافع ملی کشور در نظر ایشان کمک می‌کند و مفهوم منافع ملی را در سیاست خارجی روشن‌تر و شفاف‌تر خواهد کرد.

جدول ۱: مصادیق منافع ملی در جمهوری اسلامی ایران

ردیف	مصادیق	توضیح
۱	پیروزی و پایان جنگ تحمیلی	در دهه شصت، اولویت اول، جنگ تحمیلی بود و تمام تلاش‌ها مبنی بر پیروزی و پایان جنگ بود (منصوری، ۱۳۹۶).
۲	تبلیغ اسلام	در درجه دوم، تبلیغ اسلام در دنیا نیز، جزو اهداف قرار گرفت (منصوری، ۱۳۹۶).

ادامه جدول ۱: مصادیق منافع ملی در جمهوری اسلامی ایران

ردیف	مصادیق	توضیح
۳	فلسطین	چون اسرائیل تهدید اصلی ضد امنیت ملی جمهوری اسلامی محسوب می‌شود، به هر قیمتی از فلسطین حمایت و جریان حزب‌الله باید تقویت می‌شد و به همین دلیل، این موضوع در اولویت سیاست خارجی ما قرار گرفت (منصوری، ۱۳۹۶).
۴	محور مقاومت	حزب‌الله، یکی دیگر از دستاوردهای مهم و بزرگ سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است؛ در سال ۲۰۰۰ توانست جنوب لبنان را آزاد کند و امروز نیز قوی‌ترین اهرم جمهوری اسلامی ایران در خط مقدم، مقاومت حزب‌الله است (بروجردی، ۱۳۹۶). تحولات سوریه و نقش جمهوری اسلامی ایران، خود گویای نقش جدی و موفقیت دیپلماسی و سیاست خارجی ایران است (بروجردی، ۱۳۹۶).
۵	حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش	تشکیل مجلس اعلای عراق در سال‌های ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۲، بسیار موضوعی مهم برای ما محسوب می‌شد چراکه ما در حال جنگ با صدام بودیم و ایجاد چنین جریانی در داخل و خارج عراق بسیار مهم و مؤثر بود. تشکیل و حمایت از سازمان جهاد اسلامی فلسطین حمایت از تشکیلات مجاهدین افغان در سال‌های اشغال افغانستان توسط شوروی (منصوری، ۱۳۹۶).
۷	مدیریت تحولات یمن	حمایت از انصارالله و گفتمان‌های همراه (سعادت‌نژاد، ۱۳۹۵)
۸	سازندگی کشور	پس از جنگ، موضوع سازندگی کشور در درجه نخست اولویت‌ها قرار گرفت (منصوری، ۱۳۹۶).
۹	بیداری اسلامی	بیداری اسلامی، دارای آثار مثبت بسیاری بود: اول اینکه بر مسائل داخلی ما تأثیرگذار بود و هویت انقلابی جمهوری اسلامی را تقویت و تأیید می‌کرد و دوم اینکه بر اساس وظیفه اسلامی که قرآن کریم، قانون اساسی و ... مشخص می‌کرد، باید از مستضعفان جهان اسلام حمایت می‌کردیم و ایشان نیز انتظار و طلب کمک از ایران داشتند و نمی‌توانستیم بی‌تفاوت باشیم؛ این تحولات فوایدی را به دنبال داشت: ۱- نهادینه کردن گفتمان انقلاب اسلامی و جلوه‌ای طبیعی از شعار صدور انقلاب اسلامی رخ داد و در بستر طبیعی، انقلاب صادر شد. ۲- تقویت جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران که مدیریت مقام معظم رهبری در این تحولات به شدت موجب تقویت جایگاه جمهوری اسلامی ایران در منطقه و در عرصه نظام بین‌الملل شد (قمی، ۱۳۹۶).

ادامه جدول ۱: مصادیق منافع ملی در جمهوری اسلامی ایران

ردیف	مصادیق	توضیح
۱۰	برجام	طبیعی است که برجام همچون دیگر اقدام‌های بشری، دارای نواقصی بوده‌است و خوش‌بینی و اعتماد نابه‌جا به طرف مقابل وجود داشت اما در مسئله برجام، قدرت جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک قدرت هسته‌ای تثبیت شد؛ اتهام‌های مبنی بر تلاش بر تولید سلاح‌های هسته‌ای منتفی شد؛ شباهت درخصوص منطقه نظامی پارچین رفع شده، مشخص شد اتهام‌های درباره آن، دروغی بزرگ بوده‌است؛ جمهوری اسلامی به معبود کشورهای تبدیلی تبدیل شد که توان صادرکردن فناوری (تکنولوژی) و محصولات هسته‌ای دارند؛ اجماع جهانی آمریکا ضد جمهوری اسلامی شکست و این ظرفیت اجماع‌کنندگی آمریکا از میان رفت؛ قدرت معنایی جمهوری اسلامی ایران یک‌بار دیگر در سطح بین‌المللی مطرح شده، مشخص شد که انقلاب اسلامی، حرفی جدید برای جهان دارد؛ اثبات شد که مناقشات از طریق مذاکره، قابلیت حل شدن دارد و لازم نیست به‌جای مذاکره و گفتگو از زور استفاده کرد. پس از برجام ما دیگر به حمایت از تروریسم، متهم نیستیم بلکه در صف مقدم مبارزه با تروریسم قرار داریم و اگر کمک و سرعت عمل جمهوری اسلامی نبود، امروز داعش وضعیتی دیگر داشت؛ در سطح بین‌المللی ما دیگر منزوی نیستیم و برای نمونه، بیش از یکصد کشور جنبش عدم تعهد از فعالیت‌های هسته‌ای ما حمایت کرده‌اند (قمی، ۱۳۹۶).
۱۱	بزرگداشت نوروز در عرصه بین‌المللی	برگزاری جشن بین‌المللی نوروز در حوزه فرهنگی نوروز: زمانی که معاونت آموزش وزارت خارجه را برعهده داشتیم، جشن بین‌المللی نوروز با توافق در مجموعه مسئولان کشور برگزار شد و شرکت‌کنندگان به دیدار مقام معظم رهبری رفتند و از این اقدام تشکر کردند و مقام معظم رهبری نیز از این اقدام تقدیر کردند؛ برگزاری این جشن در راستای ارزش‌های ملی صورت گرفت و در کلان منافع ملی و اسلامی را توأمان تأمین کرد (خرمشاد، ۱۳۹۵).
۱۲	ترویج زبان فارسی	در دوره ریاست سازمان فرهنگ و ارتباطات، یکی از اقدام‌ها و اهداف اصلی، ترویج زبان فارسی و فراهم‌آمدن زمینه آموزش زبان فارسی بود. تلاش شد تا در نهادهای بین‌المللی، زبان فارسی حضور داشته‌باشد (خرمشاد، ۱۳۹۵).
۱۳	تبدیل ایران به قدرتی منطقه‌ای	در دوران معاونت در وزارت خارجه و ریاست سازمان فرهنگ ارتباطات برای تبدیل شدن ایران به قدرت منطقه‌ای تلاش شد و این اقدام، ملی بود و نه به‌طور صرف امتی (خرمشاد، ۱۳۹۵).

ادامه جدول ۱: مصادیق منافع ملی در جمهوری اسلامی ایران

ردیف	مصادیق	توضیح
۱۴	مدیریت بحران عراق پس از صدام	در این جریان، بزرگ‌ترین اقدام و افتخار شیعه، آن بود که بزرگان آن هیچ‌گاه دست در دست آمریکا نگذاشتند که در رأس آنان آیت‌الله سیستانی بود که تا به الان، هیچ مقام آمریکایی را به حضور نپذیرفته است، حتی از طریق رابط. یک‌بار/احمد چلبی در جلسه با آیت‌الله سیستانی، پیشنهاد نشست با جرج بوش، رئیس‌جمهور وقت آمریکا را مطرح کرد که آیت‌الله از جلسه بلند شد و آنجا را ترک کرد. ما حضور ۱۴۰ هزار سرباز آمریکایی را در عراق نادیده گرفتیم و نتیجه سیاست ما و اقدام آمریکایی‌ها ۵ هزار کشته و ۲۳ هزار زخمی بدون هیچ دستاوردی بود و در نهایت منجر شد به حکم خروج آمریکایی‌ها و استقرار دولت اسلامی و تصویب قانون اساسی ارزشمند عراق که بسیار متأثر از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. در قانون اساسی عراق، حقوق شیعه، مرجعیت شیعه و موضوع عتبات عالیات به‌صراحت، مطرح شده است (سعادت‌نژاد، ۱۳۹۵). ما در برخی عرصه‌ها موفق بوده‌ایم برای نمونه در عراق، آن زمانی که اولویت اصلی عراق، موضوع جنگ بود، ما توانستیم در طراحی دولت عراق مشارکت کنیم و مجلس اعلی در عراق را تقویت‌سازیم درحالی‌که آمریکایی‌ها با آن همه هزینه، مجبور شدند از عراق خارج شوند (بروجردی، ۱۳۹۶).
۱۵	مقابله با فتنه تکفیری‌ها	فتنه تکفیری‌ها در منطقه سوریه و عراق (سعادت‌نژاد، ۱۳۹۵)
۱۶	دستگیری عبدالمالک ریگی	یک عملیات امنیتی بین‌المللی و تعاملی موفق در عرصه سیاست خارجی برای تأمین منافع ملی بود (مصلحی، ۱۳۹۶).

(منبع: نگارنده)

۳- سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

انقلاب اسلامی در ایران موجب شد تا سیاست خارجی ایجاد روابط مناسب با آمریکا، اسرائیل، اروپا و رژیم‌های دوست آمریکا در خاورمیانه به سیاست خارجی تقابل با غرب و اسرائیل تبدیل شود و حمایت از حرکت‌های انقلابی و اصلاحی در منطقه خاورمیانه که دولت‌های طرف‌دار غرب و

حکومت‌های سکولار را هدف گرفته بودند، در دستور کار قراردهد (راکل، ۲۰۰۷: ۱۸۶). با وقوع انقلاب اسلامی، سیاست خارجی ایران، بسیار تغییر کرد. شاید بتوان گفت که یکی از مهم‌ترین اولویت‌های سیاست خارجی ایران پس از انقلاب، پایان‌بخشیدن به ۲۵ سال حاکمیت آمریکا در ایران بوده‌باشد (رمضانی، ۱۳۸۶: ۵۸). با پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره)، نوعی تغییر گفتمان را در عرصه سیاست خارجی ایران، شاهد بوده‌ایم؛ برخی از این چرخش‌های اساسی را چنین می‌توان ترسیم کرد:

۳-۱- جایگزینی اسلام سیاسی بر اسلام باستان‌گرای سکولار

جایگزینی اسلام سیاسی در مقابل گفتمان اسلام باستان‌گرا و سکولار شاهنشاهی، نقطه محوری تحول است. نشانه مرکزی گفتمان امام خمینی (ره) را اسلام سیاسی می‌سازد و دیگر نشانگان، حول این رویکرد به اندیشه سیاسی امام (ره) معنای دهند.

«اسلام، مکتبی است که بر خلاف مکتب‌های غیرتوحیدی در تمام شئون فردی، اجتماعی، مادی، معنوی، فرهنگی، سیاسی، نظامی و اقتصادی، دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته ولو بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد، فروگذار نکرده‌است» (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹، ج ۲۱: ۱۷۶ تا ۱۷۸).

۳-۲- تأکید بر وحدت اسلامی - انترناسیونالیسم اسلامی

امام خمینی (ره)، ضمن پذیرش مرزهای ملی موجود به‌عنوان ضرورت و ضمن اهتمام به تشکیل حکومت واحد جهانی صالحان به‌عنوان آرمان، به سیاستی بینابین تأکید می‌کنند. سیاست خارجی امت‌گرا به‌جای سیاست خارجی ملی‌گرا، مهم‌ترین تأثیر پیروزی انقلاب اسلامی در سیاست خارجی کشور بود (حاجی یوسفی، ۱۳۸۴: ۸۰).

۳-۳- نفی سلطه‌پذیری و آمریکاستیزی

از دیگر اصول سیاست جمهوری اسلامی ایران، نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری است. امام خمینی (ره)، ارزش حیات را به آزادی و استقلال می‌داند و با توجه به آیه ۱۴۱ سوره مبارکه نساء («وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا») در قرآن کریم، اذعان می‌دارند:

«ما منطقمان، منطق اسلام، این است که سلطه نباید از غیر بر شما باشد؛ نباید شما تحت سلطه غیر

بروید؛ ما هم می‌خواهیم نرویم زیر سلطه» (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹، ج ۴: ۹۱).

۳-۴- استقلال و خودکفایی

از جمله اصول جدی در عرصه سیاست خارجی ایران، پس از انقلاب اسلامی، تأکید بر استقلال و عدم وابستگی به دیگران است که اسباب امنیت سیاسی و اقتصادی کشور را فراهم می‌آورد و امام در آغازین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی بر این مهم تأکید می‌ورزید:

«ما در مرحله‌ای هستیم که تازه متولد شده‌ایم و من می‌گویم: اگر ما گرسنه باشیم و پیاده راه برویم و منزوی باشیم و به طرف خودکفایی حرکت کنیم، این بهتر از این است که وابسته و مرفه باشیم. و مهم، این است که اعتقاد به آن نیت و ارزش‌های اسلامی و استقلال اقتصادی پیدا کنیم» (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹، ج ۱۶: ۵۲۴).

۳-۵- تقویت بنیه دفاعی معنویت‌گرا در برابر اقتدار در سایه ائتلاف

از دید امام خمینی (ره) با توجه به شرایط خاص ایران در دنیا تقویت بنیه نظامی یک اولویت است لکن بر خصایص روحی و معنوی قدرت به‌ویژه ابعاد ایدئولوژیک آن تأکید می‌کرد و قدرت معنوی را مقدم بر می‌شمرد:

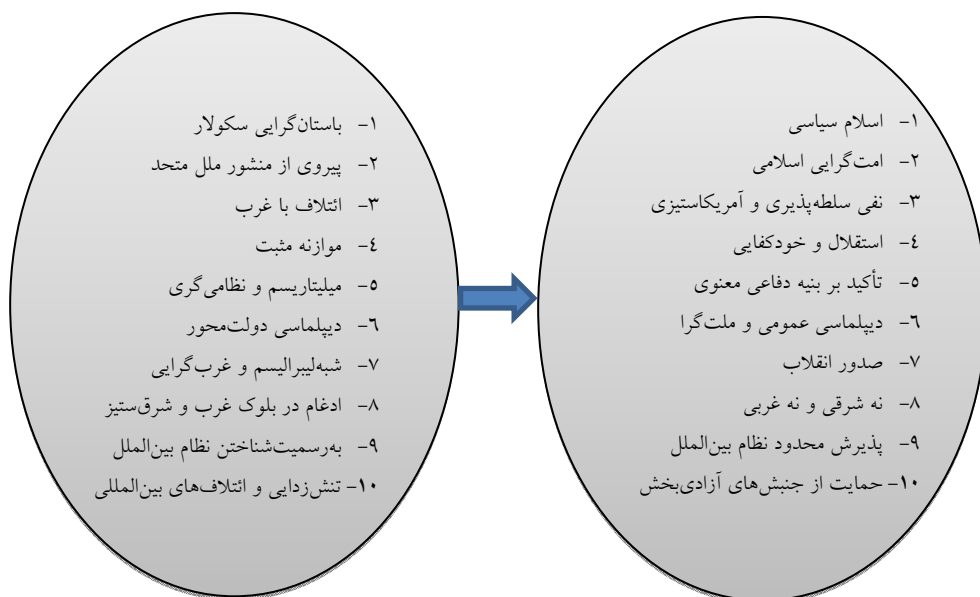
«همه ملت ما امیدشان را به خدای تبارک و تعالی که منبع قدرت است و منبع نور است، امید خودشان را به او ببندند و از هیچ توطئه‌ای نترسند» (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹، ج ۱۳: ۱۴۹).

ب- چارچوب نظری

به منظور بررسی این مسئله، آن هم در پژوهشی که تلاش دارد، در مصاحبه مستقیم، نظام معنایی تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان عرصه سیاست خارجی را مطالعه کند، به چارچوبی نظری نیازمندیم که دارای چند ویژگی باشد:

- رویکردی به‌طور صرف مادی و غیرمعنایی به انسان نداشته باشد و او را موجودی معنا‌ساز و معناپذیر بداند. مبانی اسلامی و منفعت ملی، هر دو قالبی از معانی و ارزش‌ها هستند.

- توجه به نظام معنایی بازیگران عرصه سیاست خارجی جمهوری اسلامی و مصاحبه مستقیم با ایشان، چارچوب روشی را می‌طلبد که برای تصمیم‌گیران، مجموعه‌ای هنجاری جدا از ساختارهای رسمی مفروض باشد.



شکل ۲: مهم‌ترین شاخصه‌های تغییر گفتمان در سیاست خارجی ایران پس از انقلاب اسلامی

(منبع: نگارنده)

- چارچوب مدنظر باید سیاست خارجی را تابعی از یک نظام ارزشی و هنجاری بدانند که در بستر اجتماعی و نظام معنایی هر کشوری تعریف می‌شود.
- در پژوهش حاضر، براساس متغیرهایی که نسبت‌سنجی خواهند شد، مفروض است که منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در تعاملی درونی تعریف می‌شود و الگوی حاکم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، درون‌زاست؛ بنابراین باید از چارچوب نظری بهره‌برد که منافع ملی و ارجحیت‌های کشورهای را درون‌زا بدانند.
- درنهایت، چارچوب روشی باید استفاده‌شود که قایل به تعامل سیاست داخلی و سیاست خارجی باشد.

۱- سازه‌نگاری

نظریه‌های جریان اصلی روابط بین‌الملل و سیاست خارجی، یعنی خردگرایی متشکل از نئورئالیسم و نئولیبرالیسم، قادر نیستند نقش مبانی اسلامی و نظام‌های هنجاری و ارزشی را در تعیین و تکوین

منافع ملی ایران تحلیل و تبیین کنند زیرا خردگرایی که بر نظریه انتخاب عقلانی^۱ و الگوی «انسان اقتصادی»^۲ استوار است، کشور ایران را واحد سیاسی خودخواه و منفعت طلب یا هدف مدار، عاقل و ذره‌ای می‌پندارد که براساس تحلیل هزینه-فایده، درصدد بهینه‌سازی گزینه‌های خود از طریق پیشینه‌سازی منافع مادی ازپیش داده است. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۶: ۱۰۹ و ۱۱۰).

رویکرد سازه‌انگاری در میان نظریه‌های انتقادی روابط بین‌الملل دسته‌بندی می‌شود. سازه‌انگاری، منتقد ماشین‌انگاری انسان و نظم‌پذیری بی‌روح انسان در گفتمان‌های خردگراست و تلاش دارد، او را دارای رفتاری ناشی از هدف و منظور خاص معرفی کند. مفاهیم اصلی سازه‌انگاری «رایزنی، گفتمان‌ها، هنجارها، اقناع، هویت، جامعه‌پذیری، و استدلال‌آوری» است (اسمیت، ۱۳۹۱: ۱۴۷). سازه‌انگاری از حیث هستی‌شناسی، از «ایده‌آلیسم» در مقابل «ماتریالیسم» و از «ذهنیت‌گرایی»^۳ در مقابل «عینیت‌گرایی»^۴ دفاع می‌کند (متقی، ۱۳۸۶: ۲۱۱).

بنابراین در سیاست خارجی کشور، هنجارهای داخلی و بین‌المللی که بازیگر آنها را در خود درونی کرده‌است، به‌عنوان یک متغیر مستقل در رفتار آن تأثیر جدی دارد (مشیرزاده، ۱۳۸۲: ۱۳۱). رویکردی سازه‌انگارانه برای پژوهش حاضر که پژوهشی کیفی است و تلاش دارد، نسبت منافع ملی را با یک نظام ارزشی و هنجاری درونی، یعنی مبانی اسلامی در جمهوری اسلامی بررسی کند، می‌تواند کارآمد باشد؛ البته رویکرد کلان نسبت ارزش‌ها و پذیرش یکسان تمامی هنجارها و به‌اصطلاح تساهل ارزشی دوره پست‌مدرن که رگه‌هایی در نظریه سازه‌انگاری دارد، پذیرفتنی نیست.

۱-۱- هویت

هویت در چارچوب سازه‌انگاری، مفهومی است که بر مجموعه ارزش‌ها و معانی مورد پذیرش بازیگر سیاسی دلالت دارد و فهم و تبیین آن در کالبد هویت، می‌تواند چگونگی عملکرد صاحبان آن هویت را نمایان سازد لذا ازجمله مسائلی که در چارچوب سازه‌انگاری در این پژوهش به آن توجه می‌شود، مسئله هویت است، به‌خصوص هویت تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران که این مهم در پرسش‌های مصاحبه عمیق با ایشان لحاظ شده‌است.

هر دولت، هویتی را برای خود در تعامل با دیگر دولت‌ها تعریف می‌کند یا این هویت را به او

- 1 . Rational choice
- 2 . Homo economics
- 3 . Subjectivism
- 4 . Objectivism

نسبت می‌دهد؛ منافع ملی نیز براساس این، به نحوه تعریف هر واحد سیاسی از خود، معطوف است که سیاست خارجی آن کشور را شکل می‌دهد (پورااحمدی، ۱۳۸۵: ۴۲). نظریه‌های مادی‌گرا با مفروض دانستن هویت و نظریه‌های تأسیسی و پست‌مدرن با وابسته‌کردن هویت به «دیگری» و سیال‌پنداشتن آن، برای هویت در سیاست خارجی، اهمیت نظری قایل نیستند اما براساس نظریه‌های سازه‌گرا، هویت، امری ساخته‌شده از ساختارهای مادی و معنایی است (ونت، ۱۳۸۴: ۳۲۷). از دیدگاه سازه‌انگاری، برداشت و ذهنیت سیاست‌مداران در سیاست خارجی، از لایه هویتی ایشان برگرفته است و وجه تمایز رهبران سیاسی در سیاست داخلی و سیاست خارجی، از هویتی ناشی است که ایشان خود را در آن تعریف کرده‌اند و می‌یابند. تلاش ما مبنی بر آن است که از مسیر مصاحبه مستقیم با برخی نخبگان عرصه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، رویکرد هویتی ایشان نسبت به ارزش‌های ملی و ارزش‌های اسلامی را مطالعه کنیم.

ج- روش پژوهش: مصاحبه عمیق نخبگانی

در عرصه مطالعات سیاست، در جمهوری اسلامی ایران، تجربه مطالعات میدانی و مستقیم، محدود است و بیشتر مطالعات در عرصه نظری و کتابخانه‌ای رخ می‌دهند؛ این فقر پژوهشی در سیاست خارجی به مراتب از عرصه سیاست داخلی، آشکارتر است و بیشتر مطالعات حوزه سیاست خارجی به دلایلی مانند احتیاط، محافظه‌کاری، عدم دسترسی، نبود انگیزه و امکان مطالعه‌ی میدانی، طبقه‌بندی اطلاعات، در فضایی جدا از عرصه عمل قوام یافته‌اند.

نگارنده پس از بررسی روش‌های پژوهش، روش مصاحبه هدفمند با نخبگان را مناسب‌ترین روش پژوهشی برای نیل به بخشی از اهداف پژوهش حاضر و پردازش فرضیه و پاسخ‌گویی به برخی پرسش‌ها تشخیص داده‌است زیرا فهم چگونگی و چیستی تحلیل کنش‌گران دخیل در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از منظری سازه‌انگارانه در نسبت منافع ملی و مبانی اسلامی، هرگز با بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای و داده‌های دست دوم، میسر نیست بلکه تنها از رهگذر گفتگوی مستقیم با نخبگان دخیل در این زمینه می‌شود به تصویر واضحی از نسبت منافع ملی و مبانی اسلامی در میان کارگزاران و نظریه‌پردازان عرصه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دست‌یافت. نبود الگوی مشابه، دسترسی دشوار، احتیاط یا محافظه‌کاری، گرفتاری‌های فراوان، مرسوم‌نبودن مصاحبه‌های علمی یا عدم اعتقاد به این دست از مطالعات، کار انجام مصاحبه را دشوار و روند

مصاحبه‌ها را فرسایشی و سخت‌می‌کرد لکن در مجموع در قالب طراحی پرسش‌های مشخص و مصاحبه عمیق، با نخبگان سیاست خارجی در حد مقدور، نگارنده هماهنگی کرد و طی فرایندی طولانی، مصاحبه‌هایی صورت گرفت.

در این مصاحبه‌ها هشت پرسش اصلی، مطرح شد:

- تعریف منافع ملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران چیست؟
 - میان دستیابی به اهداف اسلامی و تأمین منافع ملی چه نسبتی را در عمل برقرار می‌بینید؟
 - در دوران مسئولیت شما مهم‌ترین اهداف منافع ملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران کدام بوده‌است (بیان مصادیق)؟
 - تجربه اجرایی شما در نسبت‌سنجی میان منافع ملی و مبانی اسلامی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی با بیان مصادیق عینی و در قالب روایتی تاریخی چگونه بوده‌است؟
 - نظام هویتی تصمیم‌گیران عرصه سیاست خارجی در جمهوری اسلامی ایران، میان مبانی اسلامی و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، چه نسبتی برقرار می‌کند؟ آیا ایشان هویتی نظم‌یافته در نسبت‌سنجی میان منافع ملی و مبانی اسلامی دارند؟
 - آیا میان بخش‌های گوناگون فرایند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (رهبر انقلاب، شورای عالی امنیت ملی، دولت، مجلس، وزارت خارجه و...)، تعریفی یکسان از نسبت منافع ملی و مبانی اسلامی وجود دارد؟
 - به نظر شما الگوی مطلوب نسبت‌سنجی میان مبانی اسلامی و منافع ملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران کدام است؟
 - برای رسیدن به الگوی مطلوب نسبت‌سنجی میان منافع ملی و مبانی اسلامی، تصمیم‌گیران سیاست خارجی باید از چه نظام هویتی، بهره‌مند باشند؟ رسیدن به این نظام هویتی مطلوب چگونه امکان‌پذیر است؟
- با توجه به ویژگی انعطاف‌پذیری روش مصاحبه، باید گفت که این روش، یکی از بنیادی‌ترین و شاید بهترین روش جمع‌آوری اطلاعات باشد. این ارتباط و تماس نزدیک میان مصاحبه‌گر و مصاحبه‌شونده، فضایی مناسب و سرشار از همکاری را می‌تواند ایجاد کند و در چنین شرایطی است که مصاحبه‌گر، اطلاعات حقیقی و واقعی مدنظر خود را به دست می‌آورد (طاهری، ۱۳۸۶: ۱۶۲).

۱- تعیین روش نمونه‌گیری و گزینش افراد

پژوهشگر در گام نخست باید به اقتضای پرسش‌ها و مباحث مدنظر خود، چند نفر را به‌عنوان نامزدهای اولیه مصاحبه انتخاب‌کند (برنهام، ۲۰۰۸: ۲۳۱ تا ۲۳۳)؛ نخبگان یادشده براساس سه ملاک واقعی و مؤثر در عرصه پژوهش میدانی انتخاب‌شدند:

۱-۱- ساختار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

تلاش شد تا براساس ساختار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، به مجموعه نهادها و ساختارهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران توجه‌شود. نهادهای مورد مطالعه عبارت‌اند از:

- معاونت ارتباطات بین‌الملل دفتر مقام معظم رهبری؛
- معاونت امور بین‌الملل و روابط خارجی شورای عالی امنیت ملی؛
- مجلس شورای اسلامی، کمیسیون سیاست خارجی و امنیت ملی؛
- وزارت امور خارجه؛
- وزارت اطلاعات و نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی؛
- شورای روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران؛
- سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.

۱-۲- رویکرد و دیدگاه‌های متنوع

تلاش شد، در مجموع مصاحبه و به‌منظور رسیدن به قضاوت حقیقی و عینی در عرصه سیاست خارجی ایران، به بازیگران سیاسی از طیف‌ها و علایق سیاسی مختلف توجه‌شده، از یک‌سونگری پرهیزشود.

۱-۳- امکان و دسترسی

شاید و متأسفانه، مؤثرترین و اصلی‌ترین معیار در انتخاب نخبگان مصاحبه‌شونده عرصه سیاست خارجی، فراهم‌بودن شرایط مصاحبه با ایشان بوده‌باشد. نبود اعتماد، رایج‌نبودن، مشغله فراوان و دلایلی دیگر، شرایط و گزینه‌های منتخب را برای پژوهشگر بسیار دشوار و سخت و انتخاب وی را محدودمی‌کرد. دسترسی به نخبگان سیاست خارجی، دشوار بوده، به اعتمادسازی، معرف و فراهم‌آوردن مسیر ارتباطی مناسب نیازمند است که البته مسیری، دشوار و بی‌مهری‌ها کمی ملال‌آور است.

درنهایت با ده تن از نخبگان اجرایی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، مصاحبه صورت گرفت که جامعه آماری یادشده دارای چنین ویژگی‌هایی هستند:

جدول ۲: مشخصات و ویژگی‌های مصاحبه‌شوندگان

جنسیت		جایگاه اجرایی			رشته تخصصی		تحصیلات		سن	
مؤنث	مذکر	مدیر کل	معاون وزیر	وزیر	علوم سیاسی	علوم حوزوی	کارشناسی ارشد	دکتری	۴۰-۵۰	۵۰-۶۰
۰	۱۰	۲	۷	۱	۷	۳	۳	۷	۰	۱۰

(منبع: نگارنده)

د- نسبت منافع ملی و مبانی اسلامی در عمل

نظام هویتی تصمیم‌گیران عرصه سیاست خارجی در جمهوری اسلامی ایران، در فرض جدادانستن منافع ملی و مبانی اسلامی، دو طیف نسبت را برقرار می‌کند؛ گروه نخست، بیشتر به تأمین منافع ملی، متمایل هستند و از ایدئولوژی فاصله گرفته، به سمت منافع ملی تمایل دارند و گروه دوم، ملاحظات ایدئولوژیک جدی‌تری دارند و حساب سود و زیان مادی در ایشان کمتر است لکن در عمل، تلفیقی از این دو بوده، هیچ‌گاه سر و ته طیف فعال نبوده‌اند و بلکه به‌طور معمول، تلفیقی از این دو نوع رویکرد وجود داشته‌است و بسیار کم، غلبه با یک طیف بوده‌است (خرمشاد، ۱۳۹۵).

در نسبت‌سنجی میان منافع ملی و مبانی اسلامی از منظر مجریان عرصه سیاست خارجی که در این پژوهش درباره آنها پرسیده‌شد، می‌توان در مجموع به چند نکته اساسی دست‌یافت:

۱- اتفاق در مقام نظر

از دید بازیگران اجرایی عرصه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، درخصوص نسبت منافع ملی و مبانی اسلامی، میان این دو مفهوم، تطابق کامل وجود دارد یا دست‌کم، تضاد و تزاومی آشکار بین تعقیب آرمان‌های اسلامی و پیگیری منافع ملی وجود ندارد؛ همچنین در اسناد بالادستی نظام جمهوری اسلامی ایران و در ساخت سیاسی جمهوری اسلامی و در نگاه نخست، نسبت منافع و مبانی اسلامی، دارای تطابق کامل است (ایروانی، ۱۳۹۵)؛ سیاست‌گذاری‌ها به‌طور کامل، روشن هستند

و اسناد بالادستی نظام به‌روشنی، مأموریت را مشخص کرده‌اند؛ ازسویی دیگر بیانات و رهنمودهای رهبران انقلاب، امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری، مسیر حرکت در سیاست خارجی را روشن کرده‌اند؛ این مجری عرصه سیاست خارجی است که باید متعهدانه و براساس اسناد بالادستی و رهنمودها حرکت کند (حسینی، ۱۳۹۵).

۲- نسبت عاقلانه منافع ملی و مبانی اسلامی

مسیر جمهوری اسلامی تاکنون نوعی مسیر ترکیبی بوده‌است و تلاش کرده درعین توجه به آرمان‌ها و ارزش‌ها، منافع ملی را نیز تأمین کند؛ البته مواردی هم بوده‌است که به یک سمت تمایل، بیشتر بوده‌است لکن درکل، مسیر ترکیبی بوده‌است؛ برای نمونه در زمان جنگ، آن زمانی که امام (ره)، محکم‌ترین شعارها را درخصوص قدس و آرمان فلسطین سرمی‌دادند، برخی دوستان بر موضوع حضور در لبنان و فلسطین تأکیدمی‌کردند؛ امام همه را به سمت جنگ که موضوع اولویت‌دارتر بود، متوجه‌کردند و رفتن سراغ لبنان را گم‌راهه می‌دانستند و خود روز قدس را پایه‌گذاری کرده‌بودند لکن در آن شرایط، اولویت را بر دفاع مقدس دانسته، منافع ملی را درعین آرمان‌گرایی پیگیری‌کردند (حسینی، ۱۳۹۵).

البته نمی‌توان نسبت میان منافع ملی و مبانی اسلامی را در صحنه عمل به‌صورت مکانیکی رتبه‌بندی و به صورت دقیق اولویت بندی کرد اما تأمین منافع ملی از هر اصل دیگر مهم‌تر است و ازسویی دیگر تفکیک و جدایی مبانی اسلامی و منافع ملی، صحیح نیست (مسجدی، ۱۳۹۵).

۳- دشواری در تعیین مصداق (تزام ظاهری)

نکته‌ای مهم که باید بدان توجه کرد، آن است که نسبت این دو در مقام نظر به‌طور تقریبی، مورد اتفاق مجریان است لکن در مقام اجرا و میدان و مصداق‌سنجی، اختلاف‌هایی در تشخیص‌ها وجوددارد و همچون احکام اولیه و احکام ثانویه است که در مقام نظر، شفاف و روشن‌اند لکن در مقام عمل و مصداق، به دقت نیازدارند.

۴- تطابق منافع ملی و مبانی اسلامی در مقام تجربه

بسیاری از تجربه‌های میدانی افراد مصاحبه‌شونده و به‌طور تقریبی، اتفاق نظر ایشان بر آن است که منافع ملی و مبانی اسلامی، نه‌تنها با یکدیگر تضادندارند، بلکه تجربه ایشان بیانگر آن است که مبانی

اسلامی، تأمین‌کننده و زمینه‌ساز منافع ملی است؛ برخی از ایشان هیچ‌گونه تجربه‌ای درباره تضاد منافع ملی و مبانی اسلامی نداشته (خرمشاد، ۱۳۹۵)، معتقد بودند که اگر در مواردی به بهانه کسب نتیجه بهتر از اصول اسلامی کوتاه‌می‌آمدند، نتیجه معکوس می‌شد و اگر هم موفقیتی به دست می‌آمد، به دلیل رعایت اصول اسلامی بود (حسینی، ۱۳۹۵).

ه- ساختار سیاست خارجی و نسبت منافع ملی و مبانی اسلامی

اجماع نظر مجریان سیاست خارجی، گویای آن است که رویکردها در مقام نظر و عمل، به‌طورکامل منسجم نیست لکن مدل عملکردی و ساختاری نظام جمهوری اسلامی ایران، به‌گونه‌ای طراحی شده‌است که زمینه‌های انسجام نسبی را فراهم می‌آورد. برخی مسئولیت‌ها و مسئولان دارای ثبات نسبی هستند ولیکن عمده مسئولان متغیرند و همین تغییرها که برخاسته از نظام انتخاباتی است، ایجاد وحدت نظر را دشوار می‌کند؛ حتی در درون گفتمان‌های سیاسی مشترک نیز رویکردها متفاوت است؛ البته این اختلاف‌ها بنیادین نبوده، وجه تاکتیکی دارد و به دلیل وجود جایگاه ولایت فقیه و رهبران انقلاب اسلامی، ثبات سیاستی، فراهم شده‌است؛ بنابراین این اختلاف رویکردها و فهم‌ها در مسئولان سیاست خارجی در نهادهای گوناگون، یکی از عوارض دموکراسی است و امکان جلوگیری از آن ناممکن به‌نظر می‌رسد و در نتیجه بر اثر تحولات انتخاباتی و سیاسی و جابه‌جایی مسئولان سیاست خارجی، سیاست‌ها چالشی می‌شوند (قمی، ۱۳۹۶).

از منظر ساختاری نیز مشکلاتی وجود دارد از جمله اینکه این تفکیک مسئولیت‌ها دقیق و روشن نیست و تداخل‌هایی متعدد دارند؛ برای نمونه، نقش مجمع تشخیص نظام، نیروهای مسلح و مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان علاوه بر نظارت، در طراحی نیز مؤثر است؛ نقش رهبران انقلاب نیز در تمامی فرایندها و مراحل چرخه سیاست خارجی، بسیار مؤثر و تعیین‌کننده بوده‌است و گاه ایشان در طراحی سیاست خارجی و اصول عملکرد، مبدع مسیر سیاست خارجی بوده‌اند و گاه بر عملکرد نظارت داشته‌اند و حتی گاه، خود مجری و شخصیت اول صحنه اجرای سیاست خارجی بوده‌اند (ایروانی، ۱۳۹۵).

و- نسبت مطلوب منافع ملی و مبانی اسلامی

مجموع ویژگی‌ها و مختصات الگوی مطلوب را در نظر و طرح‌های (ایده‌های) جمع‌آوری شده در این تحقیق می‌توان چنین بیان کرد:

۱- وحدت منافع ملی و مبانی اسلامی

وحدت دو مفهوم منافع ملی و مبانی اسلامی، نقطه نظر مشترک تمامی کارشناسان و مجریان مورد مصاحبه است؛ ایشان الگوی مطلوب را رفتن به سمت وحدت و همگرایی منافع ملی و مبانی اسلامی می‌دانند و هریک، راهکار و مسیری برای این امر پیشنهاد می‌دهند؛ آنچه درباره‌اش توافق دارند، پرهیز از طرح تقابل میان ارزش‌ها و مبانی دین اسلام و پی‌جویی منافع ملی ایران است (قمی، ۱۳۹۶).

۲- آرمان‌خواهی در عین واقع‌بینی

الگوی مطلوب نسبت میان منافع ملی و مبانی اسلامی، آن است که باید از یک‌سو نگرایی پرهیز کرد و هر دو بال پرنده در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، یعنی مبانی اسلامی و منافع ملی، یکدیگر را کامل‌کنند (مسجدی، ۱۳۹۵). تلاش برای رسیدن به منافع ملی در عین ملاحظات ایدئولوژیک را اصول پراگماتیسم یا سیاست خارجی آمریکایی گویند اما همین رویکرد در خصوص جمهوری اسلامی، یعنی تلفیق مبانی اسلامی و منافع ملی، به عقب‌نشینی از ارزش‌ها و اصول تعبیر می‌شود؛ این در صورتی است که منافع جمهوری اسلامی از جمله نکات مهم در اندیشه و نظر رهبران انقلاب و ساختار سیاسی نظام است. امام خمینی (ره)، حفظ نظام را واجب و اجبات می‌دانستند، یا در ساختار نظام جمهوری اسلامی، نهادی به‌عنوان مجمع تشخیص مصلحت نظام وجود دارد که بیانگر آن است که جمهوری اسلامی، به‌طور کامل پراگماتیسم است و دشمنان، این موضوع را تشخیص ندادند و عمل‌گرایی جمهوری اسلامی را عدول از ارزش‌ها و اصول تعبیر می‌کنند. در رویکردی منعطف، شرع در کنار اقتضاهای زمانی و مکانی قرار می‌گیرد و با منافع ملی، نسبتی تلفیقی ایجاد می‌کند. اگر میان منافع ملی و مبانی اسلامی در سیاست خارجی آمدوشدی منطقی صورت گیرد، نسبت این دو نیز منطقی و صحیح خواهد بود (خرمشاد، ۱۳۹۵). در تحقق اهداف اسلامی که یکی از منافع ملی جمهوری اسلامی محسوب می‌شود، باید روابط، واقع‌بینانه تنظیم شوند و بر اساس وضع طرف مقابل در نسبت با خود، رابطه تنظیم شود؛ تاحدودی این تنظیم‌های روابط را «رهبران انقلاب: امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری و دولت‌ها» انجام داده‌اند (منصوری، ۱۳۹۶).

۳- تعادل، تناسب، توازن

به نظر، سه مفهوم اساسی در سیاست خارجی مطرح است که بسیار مهم و حیاتی هستند: «تعادل»، «تناسب»، «توازن». ما در صحنه عمل و برای حفظ نظام جمهوری اسلامی ایران باید میان شرایط خود

و شرایط جهانی، رابطه برقرارکنیم و سه اصل یادشده را در نظر بگیریم. در نسبت میان منافع ملی و مبانی اسلامی در سیاست خارجی و الگوی تعامل ما با دیگر کشورها، باید تعادل، تناسب و توازن را در نظر گرفت و براساس الگویی عاقلانه و منطقی عمل کرد (منصوری، ۱۳۹۶).

۴- اولویت منافع ام‌القرآ - حفظ نظام

نسبت میان مبانی اسلامی و منافع ملی، نسبت عموم خصوص من وجه برقرار است. در برخی موارد، جلب منافع ملی، بیشتر ظهور دارد و روشن است و در برخی موارد، ظهور و شفافیتی کمتر دارد و در کهن تحولات و رفتارهای سیاست خارجی منافع ملی نیز تأمین می‌شود و به دقتی بیشتر نیاز دارد. مسئولان جمهوری اسلامی بیش از هر چیزی به منافع ملی می‌اندیشند؛ زیرا در درجه نخست، از مردم رأی گرفته‌اند و باید به دنبال منافع مردم باشند و در درجه دوم، عدم تأمین منافع ملی، موجب آسیب دیدن مردم ام‌القرآ و تحت تأثیر قرارگرفتن اصل ام‌القرآ می‌شود؛ بنابراین، حرکت در مسیر مبانی اسلامی و منافع ملی، به‌طور جدی با هم ارتباط دارند و مرزبندی میان این دو، چندان دقیق و صحیح نیست (قمی، ۱۳۹۶). در بسیاری موارد، تعقیب منافع ملی، موجب پیروی از مبانی اسلامی و در بسیاری موارد تعقیب مبانی اسلامی موجبات تأمین منافع ملی شده است؛ البته اولویت با حفظ حیات ام‌القرآست و منافع ام‌القرآ، دارای اولویت است.

۵- رعایت مصلحت

مصلح عالی، ملاک نسبت‌ها و سطح‌بندی منافع ملی در جمهوری اسلامی ایران است. در نسبت منافع ملی و مبانی و آرمان‌های اعتقادی، مصلحت‌های عالی، ملاک نسبت‌سنجی میان آن دو هستند. مرجع تشخیص مصلحت‌های عالی در جمهوری اسلامی ایران، ولی فقیه است؛ اوست که در نسبت میان منافع ملی و مبانی اسلامی، تعادل ایجاد می‌کند و با استفاده از ظرفیت‌های فقهی شریعت مقدس اسلام، نظیر احکام ثانویه، اولویت را تشخیص می‌دهد؛ در مقام اجرا نیز شورای عالی امنیت ملی، تعادل‌دهنده منافع ملی جمهوری اسلامی ایران است (ایروانی، ۱۳۹۵).

مصلحت نیز همچون دو اصل پیش‌گفته یعنی «آرمان‌گرایی در عین واقع‌بینی و اولویت حفظ نظام»، الگوی تأمین منافع ملی است و باید براساس ساختارهای موجود در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، این اصول تنظیم و مصلحت تشخیص داده شود.



نمودار ۲: اصول تبیین الگوی مطلوب منافع ملی و مبانی اسلامی

(منبع: نگارنده)

ز- راهکار رسیدن به نسبت مطلوب

در جریان مصاحبه‌های انجام‌شده، از جمله نقاط کلیدی مورد پرسش، چگونگی و راهکار رسیدن به نقطه مطلوب بوده‌است. پیشنهادهایی مطرح شد که البته متأثر از اولویت‌ها و سابقه ذهنی و اجرایی افراد بوده‌است. مجموع راهکارهای ارائه‌شده را می‌توان در چند دسته تقسیم‌بندی کرد که بدین‌سان بیان می‌شوند:

۱- نظری و اندیشه‌ای شامل:

الف- توجه به ضرورت الگوسازی؛

ب- بهره‌گیری از نظریه ام‌القرا؛

ج- حاکمیت رویکرد جبهه‌ای؛

د- بهره‌گیری از ظرفیت‌های نظری اسلامی و بومی..

۲- آموزشی: در حوزه آموزش سیاست خارجی، دارای نواقص و کمبودهایی هستیم. آموزه‌های ما در دانشگاه‌ها ناقص است و نمی‌تواند رویکردی متوازن و متناسب به دانشجو ارائه‌دهد و مغلوب

گفتمان غربی است؛ ازسویی دیگر، آموزه‌های سیاسی، کلان‌نگری و همه‌جانبه‌گرایی لازم را منتقل نمی‌کند (ایروانی، ۱۳۹۵).

۳- **ساختاری:** شاید در سطح ساختاری، بنیادین‌ترین موضوع، حرکت به سمت ایجاد و تشکیل دولتی در طراز انقلاب اسلامی است (سعادت‌نژاد، ۱۳۹۵) و براساس نظر مجریان و متخصصان سیاست خارجی، ساختار وزارت خارجه در نسبت منافع ملی و مبانی اسلامی و مانند آن، به‌طورکامل، هوشیار نیست و در تأمین این رویکرد نتوانسته موفق باشد. شاید بتوان جایی به نام شورای هماهنگ‌کننده فعالیت‌های خارجی با ترکیبی از نیروی انسانی دارای مهارت نظری و عملی ایجادکرد و کم‌کم، ساختارهای رسمی را نیز تحول‌بخشید (خرم‌شاد، ۱۳۹۵). تقویت کمی ساختار سیاست خارجی به نسبت مأموریت انقلاب اسلامی (بروجردی، ۱۳۹۶)، رعایت سلسله‌مراتب و تمرکز ساختاری (منصوری، ۱۳۹۶) از دیگر پیشنهادهاست.

۴- **کارگزاری:** در حوزه کارگزاران، آموزش مهارت‌های خاص سیاست خارجی، لزوم تقویت باورهای دینی، گزینش (حسینی، ۱۳۹۵)، عدم وابستگی‌های سیاسی و جناحی (منصوری، ۱۳۹۶) از جمله راهکارهای پیشنهادی در حوزه کارگزاری است.

۵- **رفتاری:** دسته آخر از مجموعه راهکارهای مطرح‌شده در رسیدن به نسبت مطلوب میان مبانی اسلامی و منافع ملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان در راهکارهای رفتاری دسته‌بندی کرد؛ راهکارهایی که به رفتار و منش حاکم در تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان عرصه سیاست خارجی توجه دارد. افزایش قدرت تحمل، تأکید بر اشتراک‌ها (مسجدی، ۱۳۹۵) و رعایت ادب رفتاری و ظاهری (حسینی، ۱۳۹۵)، برخی از اصولی است که پیشنهادشد.

نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش، تحلیل وضعیت موجود از نسبت منافع و مبانی اسلامی در صحنه اجرا و عمل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است؛ بدین منظور و براساس رویکردی سازه‌انگارانه که بر نقش کارگزار و نظام هویتی وی در سیاست خارجی تأکید دارد، به ساختار و نهادهای مؤثر در سیاست خارجی توجه شد و طی ده مصاحبه با مجریان فعلی و پیشین عرصه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، نسبت عملی منافع ملی و مبانی اسلامی در سیاست خارجی، توصیف و تحلیل شد.

مفهوم منافع ملی در فهم کارگزاران سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در عین اشتراک با فهم رایج در عرصه سیاست خارجی، به‌طورجدی بر نظام هویتی و معنایی دینی تأکید دارد. ملاحظاتی ایدئولوژیک به‌شدت در فهم و طراحی منافع ملی جمهوری اسلامی، مؤثر است و گفتمان اسلامی، حاکم و قالب بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی است لکن این حاکمیت ارزشی در رویکردی عقلانی و در میانه واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی، مسیر خویش را طی کرده و شاهد رفت‌وبرگشتی میان منافع ملی و مبانی اسلامی بوده‌است. به‌نظرمی‌رسد، رعایت «تعادل»، «تناسب» و «توازن» در صحنه سیاست خارجی جمهوری اسلامی به شکلی به‌نسبت مطلوب اتفاق افتاده‌است، لکن به نظر مجریان امر از مقام ایده‌آل (مطلوب) فاصله‌دارد و تغییر شدید سیاست‌ها با تغییر دولت‌ها گویای نبود ثبات در این نسبت‌سنجی است.

به نظر مجریان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، آنچه تا به امروز رخ داده‌است، گویای نوعی اتفاق نظر در مقام فهم نسبت منافع ملی و مبانی اسلامی است، لکن در مقام مصداق، کار، کمی دشوارتر و ناهماهنگ‌تر است و عدم رعایت دقیق سلسله‌مراتب سازمانی و ورود ارزش‌ها و سلاقی سیاسی مجریان امر، از جمله عوامل اصلی این معضل است. نکته قابل توجه آن است که در مقام تجربه عملی، هیچ‌یک از مجریان امر از تراحم و تضاد میان منافع ملی و مبانی اسلامی خاطره‌ای در ذهن نداشته، بلکه از تطابق این دو مفهوم و تقویت متقابل سخن می‌گفتند و این امر، گویای تلفیق و تطبیق منافع ملی و مبانی اسلامی بر اساس اقتضاهای میدانی عرصه سیاست خارجی است. جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان بازیگری عقلانی در رفت‌وبرگشتی منطقی میان «آرمان‌ها» و «واقعیت»‌ها حرکت کرده‌است و برخلاف تصور برخی که از ایران به‌عنوان بازیگری به‌طور صرفاً ایدئولوژیک یاد می‌کنند، ایران، بازیگری محاسبه‌گر است.

سخن آخر آنکه نسبت‌سنجی این دو متغیر به معنای افتراق و تضاد این دو نیست و تضاد مفروض از سوی برخی نظریه‌پردازان، از سوی مجریان سیاست خارجی ایران که در این مجال با آنها مصاحبه انجام گرفت، در عرصه میدانی و عملی رد شد و ایشان، تجربه‌هایی از تطابق، همراهی و هم‌افزایی این دو دارند و از سویی دیگر، تجربه‌ای از تعارض و تضاد نیز طرح نشد.

منابع

الف - منابع فارسی

- اسمیت، استیو، امیلیا هدفیلد و تیم دان (۱۳۹۱)؛ *سیاست خارجی: نظریه‌ها، بازیگران و موارد مطالعاتی*؛ ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی، محسن محمودی و ایوب کریمی؛ تهران: سمت.
- امام خمینی(ره)، روح‌الله (۱۳۸۹)؛ *صحیفه امام*؛ ج ۴، ۱۳، ۱۶، ۲۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).
- امیرعبداللهیان، حسین (۱۳۹۶)؛ مصاحبه شخصی.
- ایروانی، مهدی (۱۳۹۵)؛ مصاحبه شخصی.
- بروجردی، علاءالدین (۱۳۹۶)؛ مصاحبه شخصی.
- پوراحمدی، حسین و محمدرضا موسوی‌نیا (۱۳۸۵)؛ «سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه پس از ۱۱ سپتامبر از منظر رئالیسم، لیبرالیسم و سازه‌نگاری»، *پژوهش حقوق و سیاست*؛ ش ۲۰، ص ۵۳-۲۳.
- تاجیک، محمدرضا (بهار و تابستان ۱۳۸۰)؛ «منافع ملی ما کدام‌اند؟»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*؛ ش ۱۱ و ۱۲، ص ۴۷ تا ۶۵.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد (۱۳۸۴)؛ *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در چارچوب تحولات منطقه‌ای*؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- حسینی، سید محمدعلی (۱۳۹۵)؛ مصاحبه شخصی.
- خرمشاد، محمدباقر (۱۳۹۵)؛ مصاحبه شخصی.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۶)؛ *هویت و منفعت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، کتاب کیانی؛ تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- رمضانی، روح‌الله (۱۳۸۶)؛ *چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*؛ ترجمه علیرضا طیب؛ تهران: نشر نی.

- سعادت‌نژاد، اسماعیل (۱۳۹۵)؛ مصاحبه شخصی.
- قمی، حسین (۱۳۹۵ و ۱۳۹۶)؛ مصاحبه شخصی.
- کلینتون، دیوید دبلیو (۱۳۷۹)؛ *دو رویه منفعت ملی*؛ ترجمه اصغر افتخاری؛ تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- متقی، ابراهیم (۱۳۸۶)؛ «سازهانگاری، هویت، زبان، و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه سیاست*؛ دوره ۳۷، ش ۴، ص ۲۰۹ تا ۲۳۷.
- مسجدی، علی (۱۳۹۵)؛ تهران: مصاحبه شخصی.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۲)؛ «سازهانگاری به‌عنوان فرانظریه»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*؛ ش ۶۵.
- مصلحی، حیدر (۱۳۹۵ و ۱۳۹۶)؛ مصاحبه شخصی.
- منصور، جواد (۱۳۹۶)؛ مصاحبه شخصی.
- ونت، الکساندر (۱۳۸۴)؛ *نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل*؛ ترجمه حمیرا مشیرزاده؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی بین‌المللی.

ب- منابع انگلیسی

- Breuning, Marijke (2007), *Foreign Policy Analysis: A Comparative Introduction*, New York: Palgrave Macmillan.
- Krasner, Stephan (1978), *defending the national Interest: Raw Materials Investments and U.S. Foreign Policy*, Princeton: Princeton University Press.
- Morgenthau, Hans.j, (1945), *Politics among Nations: Struggle for Power and Peace*, NewYork: Knopf.
- Nye, Joseph (2002), *The Paradox of American Power: Why the World's Only Superpower Can't Go It Alone*, Oxford: Oxford University Press.
- Plano, Jack C, Roy Dilton (1988), *The International Relation Dictionary*, U.S.A: longman.

- Rakal, eva patricia (2007), "*Iranian Foreign Policy since the Iranian Islamic Revolution: 1979-2006*", PGDT 6, pp159-187.
- Rosenau, James (1980), *the Scientific Study of Foreign Policy*; New York: Free Press.